

پروشنالیسم پزشکی و آموزه‌های اسلامی

اطهر معین^۱

غلامرضا معارفی^۲

چکیده

پزشکی یک پروفشن است. پروفشن‌ها گروهایی هستند که به صورت علنی اعلام می‌دارند اعضای آن به شیوه‌های خاصی رفتار کرده، اهداف عالی داشته و خود را مانند یک خیر اجتماعی به جامعه عرضه کرده و با انتشار کدهای اخلاقی استانداردهایی را اعلام می‌کنند و اعضای آن بر این اساس مورد داوری قرار می‌گیرند. در این تحقیق هدف بررسی کدهای اخلاقی پروشنالیسم پزشکی یا مشخصات طبیب از دیدگاه آموزه‌های اسلامی است. با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای آیات و روایات و بررسی مقالات و متون اسلامی، کدها و مشخصات پروشنالیسم پزشکی یا طبیب مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین کدهای پروشنالیسم پزشکی و مشخصات طبیب در متون اسلامی در کلام حضرت علی (ع) و حضرت امام صادق (ع) یافت شد که عبارتند از:

۱- پرهیزکاری و تقوا؛ ۲- جدیت و کوشش؛ ۳- دلسوزی و خیرخواهی؛ ۴- علم و آگاهی؛ ۵- اعتماد.

آموزه‌های اسلامی در مورد پزشکان کد مهمی را معرفی می‌نماید که از تمام کدهای پروشنال موجود مهم‌تر است که همان کد اخلاقی پیامبران الهی و ائمه (ع) و مؤمنین است و تمام ارزش‌ها و کدهای اخلاقی دیگر را درون خود دارد. کد تقوی که در رأس کدهای اخلاقی است و باعث محبوبیت خداوند، معیت و همراهی خداوند، برخورداری از علم و حکمت و فرقان، آسان‌شدن کارها، روزی فراوان و رسیدن به رستگاری و فلاح می‌گردد.

۱. دانشیار پوست و عضو گروه اخلاق پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: sj812003@yahoo.com

۲. استادیار کلام و معارف اسلامی؛ عضو گروه اخلاق پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۱

واژگان کلیدی

پروشنالیسم، پزشکی، آموزه‌های اسلامی

مقدمه

پزشکی یک پروفشن یا حرفه است. ریشه کلمه پروفشن و پروفشنال از واژه لاتین «پروفشیو» است به معنی اعلام عمومی که به شکل قول دادن باشد. پروفشن‌ها دسته‌ای از مشاغل هستند که در سطح جوامع اعلام می‌دارند اعضا آن اهداف عالی داشته، به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند و روح حاکم بر فضای فعالیت آن‌ها خدمت‌گذاری انسان دوستانه بوده و کسب رضایت معنوی و تعالی بر کسب درآمد و مال‌اندوزی غلبه دارد. با انتشار کدهای اخلاقی استانداردهایی را اعلام می‌کنند که اعضای آن بر این اساس مورد داوری قرار می‌گیرند. کدهایی مانند: نوع‌دوستی، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری، شرافت و درستکاری، احترام به دیگران، تعالی شغلی و عدالت. (جانسن و همکاران، ۲۰۱۰ م.) پروفشنالیسم یا تعهد حرفه‌ای مفهوم نویی نیست و فرم جدید سوگندنامه‌های قدیم است. بقراط سوگندنامه پزشکی را در قرن پنجم قبل از میلاد به عنوان یک تعهدنامه اخلاقی جهت پزشکان نوشته است. ۱۰۰ سال بعد از میلاد اسکریپونیوس لارگوس پروفشن پزشکی را بر اساس سوگندنامه بقراط از نو تعریف کرد: حرفه پزشکی یا پروفشن پزشکی اشاره به شغلی است که اعضای آن در برابر افرادی که به آنان خدمت می‌کنند الزام‌های ویژه دارند. توماس پرسیوال در سال ۱۷۹۷ اولین آیین‌نامه پزشکی را در بیمارستان منچستر نوشت. در سال ۱۸۴۷ اولین آیین‌نامه مدون و مدرن در اولین جلسه نظام پزشکی آمریکا و بر اساس روش پرسیوال نوشته شد و در سال ۱۹۴۷ در نظام پزشکی آمریکا اولین آیین‌نامه موضوعی در ۱۰ بخش کوتاه و موجز جایگزین روش پرسیوال شد. (بولسین و همکاران، ۲۰۰۵ م.) در دهه اخیر به لحاظ پیشرفت تکنولوژی و تعامل قابل توجه صنایع با پزشکان خطر خدشه‌دار شدن اعتماد به پزشکان بیش از پیش احساس شده است و بدین جهت در

سال ۱۹۹۵ شورای عمومی پزشکی انگلستان دستورالعمل پروفشنالیسم و طبابت خوب را برای راهنمایی طبابت پزشکان تدوین نموده است و در همان سال بوردا طب داخلی آمریکا (ABIM) و انجمن طب داخلی آمریکا (ACP-ASIM) به همراه فدراسیون اروپایی طب داخلی با انجام پروژه‌ای منشور پروفشنالیسم را تدوین کردند که بر اساس آن باید تمام کارکنان خدمات سلامت به اصول آن عمل نمایند. در سال ۲۰۰۰ پروژه نتایج انجمن ارزیابی کیفیت برنامه‌های دستیاری پزشکی آمریکا (ACGME) نیز پروفشنالیسم را یکی از توانمندی‌های عمومی برای دستیاران بیان کرده که طبق آن دستیاران باید احترام، دلسوزی، مسئولیت‌پذیری در قبال بیمار، جامعه و حرفه پزشکی، شرافت، پاسخگویی به نیاز بیماران و جامعه به نحوی که آن را بر منافع خود ترجیح دهند و تعهد به ارتقای توانمندی‌های علمی و مهارتی را در رفتار خود نشان دهند.

چالش زیادی بر سر مفهوم پروفشن وجود دارد و تفاوت آن با کسب و کار یا حرفه قدری باعث سردرگمی حتی بین صاحب‌نظران و اخلاق پژوهان شده است. معادل فارسی آن را بعضاً کیش گفته‌اند (فرهود، ۱۳۸۶ ش.) که به علت رایج‌نبودن این کلمه و رساندن مفهوم در این مقاله از همان کلمه پروفشن استفاده شده است. پروفشن‌هایی که از قدیم تحت این عنوان و با اهداف عالیه فوق وجود داشته‌اند عبارتند از: روحانیت، پزشکان، معلمان و قضات. (فرهود، ۱۳۸۶ ش.) در این مطالعه هدف ما بررسی کدهای اخلاقی پروفشنالیسم پزشکی یا مشخصات طبیب از دیدگاه آموزه‌های اسلامی است.

روش

در این تحقیق باروش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه ای آیات و روایات و بررسی مقالات و متون اسلامی، کدها و مشخصات پروفشنالیسم پزشکی یا طبیب مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

مهم‌ترین کدهای پروفشنالیسم پزشکی یا طبیب در متون اسلامی که در کلام معصومین گرانقدر اسلام حضرت علی (ع) و حضرت امام صادق (ع) یافت شده است عبارتند از: ۱- پرهیزکاری (تقوا)؛ ۲- جدیت و کوشش (اجتهاد)؛ ۳- دلسوزی و خیرخواهی (ینصح)، «من تطیب فلیتق الله و الینصح و الیجتهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.) و همچنین (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق.)؛ ۴- علم و آگاهی (بصیرت)؛ ۵- مورد اعتماد بودن (ثقه) و «طبیب بصیر ثقه» (حرانی، ۱۳۹۸ ق.) و همچنین (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ ق.).

بحث

اولین و مهم‌ترین کد اخلاقی پروفشنالیسم پزشکی یا مشخصه طبیب را حضرت علی (ع) تقوا ذکر کرده‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.) تقوا در لغت از وقی، یقی، وقایه به معنای حفظ، نگهداری و مصونیت یا ایجاد و تحفظ در خویشتن است. وقایه عبارت است از محافظت شی از هر چیزی که به او زیان می‌رساند و تقوا یعنی محافظت کردن نفس از آنچه که نسبت به آن بیم می‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.) بسیاری از لغت‌دانان و برخی از محدثان مانند علامه مجلسی تقوا را از بن و ریشه (وقایه) به معنای حفظ، صیانت و ایجاد تحفظ در خود می‌دانند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.) تقوی از نظر شرعی به معنای پرهیز از مخالفت با اوامر و نواهی الهی است، بازداشتن خود

از هر چیزی که به آخرت انسان زیان می‌رساند. راغب اصفهانی در تعریف شرعی تقوا می‌نویسد: و در اصطلاح شرع تقوی عبارت است از این که انسان از هر گونه گناه و انحراف خودداری کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.)

امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث می‌فرماید: تقوی عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او. (امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.) شهید دستغیب (ره) می‌فرماید: تقوی شرعا به معنای بازداشتن خود است از آنچه زیان آخرتی دارد به این که پرهیز کند از مخالفت پروردگار در اوامر و نواهی چنانچه از حضرت صادق (ع) پرسش شد از معنای تقوی، حضرت فرمودند: هر جا امر خدا هست حاضر باشی و هر جا نهی اوست حاضر نباشی. (دستغیب، ۱۳۸۸ ش.) تقوا، در فرهنگ اسلامی ناظر به گونه‌ای مراقبت از نفس و اعمال است که درباره معنای دقیق آن، سخن فراوان در منابع دینی گفته شده است. این اصطلاح در فارسی به «پرهیزکاری» برگردان شده است. تقوا از جمله مفاهیمی است که در آموزه‌های قرآن کریم به طور محوری بدان توجه شده، و همین امر زمینه‌ساز طرح آن در حوزه علوم مختلف اسلامی به خصوص عرفان، اخلاق و فقه، شده است. (مجموعه دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶)

تقوا احساس مسئولیت و تعهد در مقابل خدا و جهت‌گیری به سوی خدا از درون وجود است که به دنبال آن حرکات و سکانات انسان در خط شرع قرار می‌گیرد. هر مکتبی نظام ارزشی دارد و همه چیز را بر معیار آن می‌سنجد. مکتب الهی همه معیارها را درهم ریخته و تقوا را یگانه معیار تام و تمام ارزیابی انسان‌ها قرار داده است. در مکتب الهی هیچ چیز دیگر حتی علم بدون تقوا نیز معیار ارزش معرفی نشده است. (تجلیل ابوطالب، ۱۳۸۹ ش.)

تقوا از کلمات شایع و رایج دینی است و در قرآن کریم تقریباً به همان اندازه که از ایمان و عمل نام برده شده و یا از نماز و زکات سخن به میان آمده و بیش از آن مقدار که مثلاً نام روزه ذکر شده از تقوا اسم برده شده است. (مطهری، ۱۳۸۳ ش.)

در قسمت‌های مختلف قرآن به صفات اهل تقوی (متقین و پرهیزکاران) اشاره شده است از جمله این‌که: پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند. (بقره: ۴-۳) پرهیزکاران به خدا، روز رستاخیز، فرشتگان، کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارند، به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کنند، نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد. (همچنین) کسانی که به عهد خود (به هنگامی که عهد بستند) وفا می‌کنند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند، این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است). (بقره: ۱۷۷) آن‌ها (پرهیزکاران) که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه) استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند. (آل عمران: ۱۷) پرهیزکاران از پروردگارشان در نهان می‌ترسند، و از قیامت بیم دارند. (انبیا: ۴۹) پرهیزگاران در باغ‌های بهشت و در میان چشمه‌ها قرار دارند و آنچه پروردگارشان به آن‌ها بخشیده را دریافت می‌دارند، زیرا پیش از آن (در سرای دنیا) از نیکوکاران بودند!

آن‌ها کمی از شب را می‌خوابیدند و در سحرگاهان استغفار می‌کردند و در اموال آن‌ها حقی برای سائل و محروم بود. (ذاریات: ۱۹-۱۵)

متون روایی ما به ویژه در نهج‌البلاغه هم، فراوان از تقوی سخن به میان آمده است از جمله خطبه ۱۹۳ به نام خطبه متقین که در آن بیش از صد صفت از ویژگی‌های اهل تقوا را بیان کرده است. (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

با توجه به این که حضرت علی (ع) اولین صفت یا کد اخلاقی را برای پزشکان تقوا ذکر کرده‌اند، این خطبه می‌تواند همچون آئینه‌ای پیش روی پزشکان باشد تا خود را با معیارهای متقین مقایسه نموده، کاستی‌های احتمالی را برطرف و صفات متقین را در خود تقویت نمایند. برخی از ویژگی‌های اهل تقوی عبارتند از:

«پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه‌روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است، چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند، و در روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است...». (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

«در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند: تجارتی پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده، دنیا می‌خواست آن‌ها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند... پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جز جز و با تفکر و اندیشه می‌خوانند... پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی باتقوا هستند. از اعمال اندک خود خشنود نیستند و اعمال زیاد خود را بسیار نمی‌شمارند». (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

«پرهیزکاران در دینداری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیشند، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، با داشتن علم بردبار، در توانگری میانه‌رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال،

در راه هدایت شادمان و پرهیزکننده از طمع‌ورزی، می‌باشند. اعمال نیکو انجام می‌دهند و ترسانند، روز را به شب می‌رسانند با سپاسگزاری، و شب را به روز می‌آورند با یاد خدا، شب می‌خوابند اما ترسان، و برمی‌خیزند شادمان، ترس برای این که دچار غفلت نشوند، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به آن‌ها رسیده است». (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

«روشنی چشم پرهیزکاران در چیزی قرار دارد که جاودانه است، و آنچه را که پایدار نیست ترک می‌کنند، بردباری را با علم، و سخن را با عمل، در می‌آمیزند. پرهیزکاران را می‌بینی که: آرزویشان نزدیک، لغزش‌هایشان اندک، قلبشان فروتن، نفسشان قانع، خوراکشان کم، کارشان آسان، دینشان حفظ شده، شهوتشان در حرام مرده و خشمشان فرو خورده است. مردم به خیرشان امیدوار، و از آزارشان در امانند، اگر در جمع بی‌خبران باشند نامشان در گروه یادآوران خدا ثبت می‌گردد، و اگر در یادآوران باشند نامشان در گروه بی‌خبران نوشته نمی‌شود. ستمکار خود را عفو می‌کنند، به آن که محروم‌شان ساخته می‌بخشند، به آن کس که از آن‌ها بریده می‌پیوندند، از سخن زشت دور، و گفتارشان نرم، بدی‌هایشان پنهان، و کار نیکشان آشکار است. نیکی‌های آن‌ها به همه رسیده، آزارشان به کسی نمی‌رسد. در سختی‌ها آرام، و در ناگواری‌ها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزارند...». (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

«نفسشان از دستشان در زحمت، ولی مردم از آن‌ها در آسایشند. برای قیامت خود را به زحمت می‌افکنند، ولی مردم را به رفاه و آسایش می‌رسانند. دوری آن‌ها از برخی مردم، از روی زهد و پارسایی، و نزدیک‌شدنشان با بعضی دیگر از روی مهربانی و نرمی است... دوری آن‌ها از تکبر و خودپسندی، و نزدیکی آن‌ها از روی حيله و نیرنگ نیست...». (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹ ش.)

همچنین تقوا برای فرد متقی و پرهیزگار آثار و برکاتی دارد که در آیات قرآن بدان اشاره شده است:

خداوند با پرهیزگاران است، (توبه: ۳۶ و ۱۲۳) خداوند پرهیزگاران را دوست دارد، (آل عمران: ۷۶؛ توبه: ۴ و ۷) خداوند یار و یاور پرهیزگاران است، (جاثیه: ۸؛ نحل: ۱۲۸) گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، (حجرات: ۱۳) بهترین زاد و توشه، (بقره: ۹۷) برخورداری از علم و حکمت و فرقان، (انفال: ۲۹) آسان شدن کارها، (الطلاق: ۴) اصلاح امور و اعمال، (الاحزاب: ۷۱-۷۰) رهایی از غم، محنت و پریشانی، (الطلاق: ۲) در جایگاه امن قرار گرفتن (دخان: ۵۱) روزی فراوان، (الطلاق: ۳) پاک شدن از گناه، (الطلاق: ۵) رهایی از عذاب آخرت و برزخ، (مریم: ۷۲) ساکن شدن در باغ‌های پر نعمت بهشت، (الذاریات: ۱۵) رسیدن به رستگاری و فلاح، (آل عمران: ۲۰۰) و عاقبت نیکو برای پرهیزگاران است. (ص: ۴۹) از مجموعه این آیات به دست می‌آید که کد اخلاقی تقوی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اثرات مفید است که با هیچکدام از کدهای اخلاقی مطرح در دنیا قابل مقایسه نیست و شامل تمام کدها و ارزش‌های اخلاقی بوده و برتر از تمام آن‌هاست «التقی رئیس الاخلاق» در راس اخلاق تقوی قرار دارد و رئیس سایر اوصاف پسندیده است (نهج البلاغه، ۱۳۸۹ ش.) امیرمؤمنان علی (ع) در بیانی جذاب درباره تقوا می‌فرمایند: «همانا تقوای الهی داروی درد قلب‌های شما و موجب بینایی درون‌های (کور) شما و درمان بیماری کالبدهایتان است». (نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش.)

از این رو متخلق شدن به این فضیلت اخلاقی و تحصیل آن بر هر انسان و مسلمانی لازم است، در این میان آراستگی به این ویژگی برای پزشکان از جایگاه والایی برخوردار است. شرائط سخت خاص پزشکی و دشواری مسئولیت آن هر آینه ممکن است پزشک را در معرض لغزش‌های گوناگون قرار دهد. از طرف دیگر با

عنایت به این که حالات طیب، مانند نگاه او، نشاط، انبساط، انقباض و دیگر حالات آن در بیمار اثر به سزایی دارد، وجود تقوا در پزشک تأثیر فراوانی در حالات و روحيات مريض می تواند داشته باشد.

بعد از تقوا حضرت علی (ع) به دو کد اخلاقی دیگر اشاره می نمایند که در واقع در بطن تقوا وجود دارد و جهت تأکید به آن اشاره می گردد: ولینصح، «نصح» به معنای خیرخواهی است. اصل واحد در ماده نصیحت عبارت است از خالص بودن از غش، پس واژه نصیحت مقابل غش (عدم خلوص) است چه در موضوعات یا در گفتار یا در عمل و یا در یک امر معنوی باشد. پس خلوص یعنی تصفیه شدن از شوائب و ناخالصی ها. بنابراین خلوص پس از پاک کردن و تصفیه کردن حاصل می شود. (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق.)

نصح بر وزن خلق است و ناصح غسل خالص و هر چیز خالص را می گویند نقیض آن غش است. نصیحت یعنی ارشاد عموم مردم به آنچه که مصالح آنها در آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.)

پیامبر گرامی اسلام می فرمایند: با منزلت ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بردارد یا می فرمایند هر یک از شما همان گونه که خیرخواه خویش است، باید خیرخواه برادرش نیز باشد. امام صادق (ع) می فرمایند: بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب مؤمن خیرخواه او باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹ ش.) و پزشک خیرخواه نسبت به بیمار دلسوز بوده و همواره مصالح واقعی او را رعایت می کند. (امینی، ۱۳۷۳ ش.)

سومین کد اخلاقی در حدیث حضرت علی (ع) ولیجتهد «اجتهاد»، یعنی تلاش توأم با رنج، کوشش بسیار نمودن است. اصل واحد در ماده (اجتهاد) عبارت است

از بذل طاقت و سعی زیاد تا جایی که ممکن است و مافوق آن دیگر سعی و تلاش متصور نیست. (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق.)

اجتهاد یعنی مبالغه در سعی و تلاش و در اصطلاح یعنی بکارگیری همه توان در اموری که مشقت دارد برای به دست آوردن گمان شرعی. (طریحی، ۱۴۱۶ ق.)
بنابراین در دانش پزشکی اجتهاد یعنی بکارگیری تمام توان و وسیع توسط پزشک در تحصیل علوم و کسب مهارت، برای تشخیص درست بیماری و اهتمام جدی در درمان آن.

دو کد اخلاقی مهم دیگری رانیز حضرت امام صادق (ع) بیان می نمایند که در بطن تقوا وجود دارد و عبارتند از: بصیربودن و مورد وثوق و قابل اعتمادبودن. (حرانی، ۱۳۹۸ ق.)

اول این که بصیر باشد. بصیر، صفت مشبهه بر وزن فعلیل، از ریشه (ب - ص - ر) و به معنای بینای همیشگی (مصطفوی، ۱۴۰۲ ق.) است. لغت‌شناسان معانی متفاوت دیگری نیز برای آن ذکر کرده‌اند مانند: مبصر و بینا، (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.) عالم و آگاه (طریحی، ۱۴۱۶ ق.) واژه بصیر به عنوان یکی از صفات خداوند نیز می باشد وقتی در مخلوقات بکار می رود به معنای نیروی قلبی است که به واسطه آن ادراک معقولات می شود، یعنی انسان حقیقت بین و بینا می شود و یک دید واقعی پیدا می کند بصیرت در واقع همان تکامل علم و معرفت است. (عسکری، ۱۴۱۲ ق.)
انسان بصیر علاوه بر توجه به گذشته و مطالعه و تحلیل آن، در آینده‌نگری نیز محاسبه دقیقی دارد. حضرت امیر (ع) می فرمایند بصیر کسی است که بشنود و بیندیشد نگاه کند و ببیند، از عبرت‌ها بهره گیرد، آن گاه راه‌های روشنی را بیپیماید و بدین ترتیب از افتادن در پرتگاه‌ها دوری می کند. (محمدی ری شهری،

۱۳۸۵ ش.) بهره‌مندی از این ویژگی در مسئولیت پزشکی موجب وسعت دید به ویژه دید آخرت‌نگر است که نقش بسیار مهمی در نحوه زندگی دنیایی دارد. از طرفی پزشک بصیر باید «به علوم پزشکی کاملاً آگاه، آشنا و متخصص باشد. به فن طبابت و روش تشخیص بیماری و راه علاج کاملاً وقوف و مهارت داشته باشد. بنابراین پزشک فقط به تحصیلات و گرفتن مدرک نمی‌تواند اکتفا کند، بلکه باید با جدیت و دقت درس بخواند و بعد از اشتغال به طبابت همواره در حال مطالعه کتب و مجلات پزشکی و تکمیل معلومات خویش باشد. به گونه‌ای که در علم طب اهل تجربه و نظر باشد. چون اطلاعات پزشکی همواره در حال گسترش و تکامل است یک پزشک خوب نمی‌تواند به تحصیلات خود بسنده کند و فارغ‌التحصیل شود، بلکه همواره نیاز به مطالعه و آزمایش و تکمیل معلومات خود دارد. تشخیص بیماری‌ها و راه علاج آن‌ها بسیار دشوار و یک هنر واقعی است، نیاز به اطلاعات وسیع و مهارت و صبر و کنجکاوی و اخلاص در عمل دارد» (امینی، ۱۳۷۳ ش.).

کد اخلاقی دیگری را که امام صادق (ع) به آن اشاره کرده‌اند ثقة بوده که پزشک از هر جهت باید مورد اعتماد بیمار و اطرافیانش باشد.

در معجم مقاییس‌اللغة در مورد ثقة آمده است وثق کلمه‌ای است که بر بستن و محکم کردن دلالت می‌کند و وثقت الشيء یعنی: آن را محکم کردم. (أبی‌الحسین أحمد ابن فارس، ۱۴۲۰ ق.)

وَتَقَى به: به او اطمینان کرد و فلانی را توثیق کرد، به این معناست که گفته او مورد اعتماد است. پس ثقة در کاربرد لغوی به معنای شخص مورد اعتماد و اطمینان است. (زبیدی، ۱۴۱۴ ق.)

در مفردات می‌نویسد: ثقة به کسی می‌گویند که انسان در کنار او به یک سکون و آرامش خاطری می‌رسد به خاطر اعتماد و اطمینانی که به او دارد (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.) در دیدگاه دینی پزشک باید مورد وثوق باشد یعنی مورد اعتماد و اطمینان در روابط خود با بیماران باشد. در این صورت در مسئولیت پزشکی خود، علاوه بر اقدامهای بجا و ایجاد آرامش روانی تکیه‌گاه خوبی برای بیماران بوده و سنجیده طبابت خواهد کرد و این سنجیده طبابت کردن خود یکی از آداب طبابت است تا بیماران بتوانند «به دانش و مهارت او، به دلسوزی و خیرخواهی او، به ایمان و صداقت او، به امانت و رازداری او، به تقوا و خودنگهداری او، به مهربانی و خوش اخلاقی او، کاملاً اعتماد داشته باشند. یعنی رفتارش به گونه‌ای باشد که اعتماد همه را به سوی خود جلب کند. امام صادق (ع) در حدیث فوق با عبارت کوتاه: (ثقه) به همه این‌ها اشاره نموده است». (امینی، ۱۳۷۳ ش.)

نتیجه گیری

آموزه‌های اسلامی در مورد پزشکان کد مهمی را معرفی می‌نماید که از تمام کدهای پروفیشنال موجود مهم‌تر است که همان کد اخلاقی پیامبران الهی و ائمه علیهم‌السلام و مؤمنین است و تمام ارزش‌ها و کدهای اخلاقی دیگر را درون خود دارد. کد تقوی، که در رأس کدهای اخلاقی است و آثار فراوانی دارد از جمله باعث محبوبیت خداوند، معیت و همراهی خداوند، برخورداری از علم و حکمت و فرقان، آسان‌شدن کارها، روزی فراوان و رسیدن به رستگاری و فلاح می‌گردد.

فهرست منابع

- Abnehayon, N. (1385). *Daaamel Islam*. 144.
- Abnemanzor, M. (1414). *Lesan Alarab*. Dare sader Publisher. 1 (1): 615.
- Aboutaleb, T. (1389). *Values and counter values in the Quran*. Islamic Publications office. 134-44.
- Accreditation Council on Graduate Medical Education. The ACGME Outcome Project: 2000.
- Ahmad, A. (1420). *Mujam Maghayeyse loghat*. Darolkotob alalmie. 2: 621.
- Amini, E. (1373). *Medical ethics in Islam*. Center for medical ethics research. 1-5.
- Askari, AH. (1412). *Mujam Frogh Alloghavyeh*. Altabah Alowla. Moasese Alnashr Islamy, Jamea Almodaresin. 401.
- Bahrani Esfahani, A. (1413). *Avalem alolom va almaarf va laahval men alayat va alakhbar va alaghval (Mostadrek Seyede Alnesae ala Alamam Aljavad)*, researcher and editor. Movahed
- Bolsin, S. Faunce, T. Oakley, J. (2005). Teaching and learning ethics. Practical virtue ethics: healthcare whistleblowing and portable digital technology. *J Med Ethics*. 31: 612-8.
- Dastgheib, SA. (1388). *Great Sins*. Publication Institution of Dar alketab (Jazayeri). 1: 26.
- Farhud, D. (1386). Is profession a job, occupation or trade?. *Iranian Journal of Ethics in Science and Tecnology*. 2: 1-4.
- Harrani, H. (1398). *Tohafologhoul*. Translated by Ayatollah Kamare'ee. Islamieh Bookstore. 233.
- Imam Khomeini, M. (1376). *Forty Hadith*. Institute of Imam Khomeini set and publishing books. 206.
- Jonsen, AR. Braddock, CH. Edwards, KA. (2010). *Professionalism*. 14: 2011.
- Majlesi, MB. (1403). *Behar alanvar*. Altabah alsanyeh almoshafh. Moaseh Alvafa. 59 (136): 74.

- Mahyar, R. (1410). *Abjad Araby Persian Farhang*. Islamic Publications. 15.
- Mohammadi Rey shahry, M. (1389). *Mizan Alhekmeh*. Dar alhadys publishing. 12.
- Mostafavi, H. (1402). *Altahqhigh fi kalamat Alquran alkarim*. Markaz alketab altarjomeh Va alnashr. 137.
- Motahhari, M. (1363). *Ten speech*. Sadra Publications. 1-17.
- Nahjolbalaghe translated by Dashti*, M. (1389). Andishe Hadi Publications. 287-91, 520-2.
- Nahjolbalaghe translated by Shahidi*, SJ. (1379). Scientific and cultural Publishing Company. 232.
- Project of the ABIMFoundation, ACP-ASIM Foundation, and European Federation of Internal Medicine. Medical Professionalism in the New Millennium: A Physician Charter. *Ann Intern Med* 2002. 136 (3): 243-6.
- Ragheb Isfahani, H. (1412). *Almofradat fi Gharib AlQuran*. Publisher Darolalm Aldar Alshamyh. 1: 1881.
- Taryhi, F. (1416). *Majma Albahrain*. Mortazavi bookstore. 3: 33.
- The Holy Quran*, translated by Elahi Ghomshei, M. (1375). Tehran: payam Azadi Publishing.
- Zobeydi, SM. (1414). *Taj alaros men javaher alghamos, draseh va Tahghigh*. Dar alfekr Leltebah va alnashr. 3.

یادداشت شناسه مؤلفان

اطهر معین: دانشیار پوست و عضو گروه اخلاق پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
پست الکترونیک: sj812003@yahoo.com

غلامرضا معارفی: استادیار کلام و معارف اسلامی؛ عضو گروه اخلاق پزشکی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Medical professionalism and Islamic teachings

A.Moein

QR.Moarefi

Abstract

Medicine is a profession. Professions are groups that declare in a public way which their members promise to in a certain ways and have higher goals. The profession presents itself to the community as a social benefit. It usually issues codes of ethics stating the standards by which its members can be judged. In this study our goal is investigations of ethical codes of medical professionalism or characters of physicians in views of Islamic teaching. A library study of Quran verses, hadith and Islamic articles about medical professionalism or characters of physicians has been undertaken. The most important medical ethics codes in Islamic texts was found by Hazrat Ali (AS) and Imam Sadegh (AS) statements which are: 1- piety, 2- seriousness and effort, 3- compassion and benevolence, 4- knowledge, 5- trusts. Islamic teachings introduce an important ethical code that is the most important code which is available. It is the same ethical code of prophets, Imams and believers. It has all other values and ethical codes within itself. Piety code that is headed of ethical codes and caused the popularity of God, accompanied God, having knowledge and wisdom and distinction, things become easy, abundant daily bread and to be saved.

Keywords

Professionalism, Medicine, Islamic Teachings